



Some Controversies about the Change of the Qiblah with Particular Regard to Appropriation

Sayyid Reza Moaddab* | Maram al-Sadat Sajjadi**

Received: 2020-06-21 | Accepted: 2020-10-20

The Qiblah is one of the most significant signs in Islam, hence an icon of Islamic identity. The earlier choosing of Jerusalem as the Qiblah left its reverberations among the Jews in the earlier days of Islam. To reject the revelatory nature of Islam, many Jews fabricated the controversy of Islam's appropriation of the Qiblah from Judaism, hence stressed their own originality. The present paper tackles and rebuts the issue of the Jews' controversies, as provided in the Quran tafsirs of both Shias and Sunnis. It is asserted that the earlier choice of Jerusalem as the Qiblah was a sagacious decision, for the Kaaba was a place of idol-worshipping by then, while Jerusalem was not dishonored by idols. However, with the spread of Islam, Mecca received a totally different situation, and the Kaaba has since received its Qiblah status forever.



Keywords: Mecca, the Qiblah, the Kaaba, Jerusalem, the Jews, the appropriation controversy.

* Professor of the Quran and Hadith Sciences, University of Qom | reza@moaddab.ir.

** PhD student of the Quran and Hadith Sciences, University of Qom | fmf458@gmail.com.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه تطبیقی بررسی برخی شبهات پیرامون تغییر قبله با تأکید بر شبهه اقتباس

سید رضا مؤدب* | مریم سادات سجادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

چکیده

قبله یکی از مهم‌ترین نمادها در اسلام و نشانه هویت اسلامی است؛ انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله نخستین و سپس تغییر آن به سمت کعبه، بازتاب بسیاری در عصر ظهور اسلام در بین یهودیان داشته است. شماری از یهودیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دلیل آنکه بیت المقدس در آغاز ظهور اسلام، قبله مشترک بین مسلمانان با یهود بوده و برای فرار از اعتراف به حیانی بودن آیین اسلام، شبهه اقتباس قبله نخست مسلمانان را از یهود، مطرح نمودند و آن را دلیل حقانیت خود دانستند. در این مقاله به بیان برخی شبهات یهودیان، پیرامون قبله، چه قبل از تغییر و چه بعد از آن، در نگاه مفسران فریقین پرداخته شده و با بهره‌گیری از مستندات قرآنی، نادرستی دیدگاه یهودیان درباره مسئله اقتباس قبله، تبیین گردیده و بیان شده است که دلایل گزینش بیت المقدس در آغاز ظهور اسلام به عنوان قبله مسلمانان، حکیمانه بوده؛ زیرا در آن هنگام، کعبه محل عبادت بت پرستان گردیده بود ولی بیت المقدس سرزمینی پاک و مقدس به شمار می‌آمد؛ اما با گسترش اسلام، مکه از شرائط متفاوتی برخوردار شد و قبله به سوی کعبه به عنوان نخستین پرستشگاه ابراهیمی (ع) و محل امن و عبادت همیشگی بندگان الهی، تغییر یافت.

واژگان کلیدی: تغییر قبله، قبله، کعبه، بیت المقدس، یهود، شبهه اقتباس.

* استاد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم | reza@moaddab.ir

** دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، و مدرس دانشگاه فرهنگیان، نویسنده مسئول | fmf458@gmail.com

□ مؤدب، س.ر؛ سجادی، م.س. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی بررسی برخی شبهات پیرامون تغییر قبله با تأکید بر شبهه

اقتباس، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیری تطبیقی. ۶ (۱۲)، ۷-۳۳. Doi: 10.22091/PTT.2020.5634.1769

مقدمه

هر دینی دارای نمادهایی است؛ نمادها طریقی هستند که از رهگذر آنها دین می‌تواند خود را به‌طور مستقیم اظهار نماید. قبله یکی از نمادها در ادیان الهی است. طبق آیات قرآن کریم «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا» (بقره: ۱۴۸) بدین معنی که هر قومی قبله‌ای خاص دارد که برای آنان تشریع شده است. پال تیلیش استاد الهیات دانشگاه هاروارد معتقد است اصلی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی نمادها این است که به ماورای خود اشاره می‌کنند (تیلیش، ۱۳۷۵ش، ص ۳۸)؛ قبله در اصل اسمی است برای حالتی که به آن حالت روی می‌آورند مثل جلسه و قعه، و در سخن معمولی و متعارف، به‌صورت اسم برای مکانی است که در موقع نماز به آن توجه می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۴ / حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۹۵). قبله از آن جهت قبله نامیده شده که مردم در نمازشان به آن متوجه می‌شوند و مورد اقبال مردم قرار می‌گیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۲).

قبله یهودیان هنگام ظهور اسلام به سمت بیت المقدس بوده و آنها اورشلیم را مرکز عالم می‌دانند و از مؤمنان می‌خواهند تا به هنگام نماز، روی خود را به سوی شهر مقدس و معبد بگردانند (ماسون، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۶۶۰ / هینلز، ۱۳۸۵ش، ص ۱۰۱). با انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان و با گسترش روزافزون اسلام و قدرت گرفتن آن، یهودیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شروع به شبهه افکنی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خصوص نداشتن قبله‌ای مستقل برای مسلمانان نمودند.

ارتباط اعراب با یهودیان بسیار پیش تر از ظهور اسلام برقرار بوده است و مردمان این منطقه با آیین یهود آشنا بوده‌اند. بررسی دقیق علل و نحوه مهاجرت یهودیان به جزیره العرب با توجه به کمبود مدارک و منابع، امکان پذیر نیست و اطلاعات ما از یهودیان این منطقه عمدتاً با استناد به منابع اسلامی می‌باشد (علی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۱۲).

در این مقاله نخست به حضور یهود در جزیره العرب می‌پردازیم و سپس به تبیین و بررسی شبهات یهود در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره قبله مسلمانان و تغییر آن خواهیم پرداخت و همچنین دیدگاه مفسران فریقین، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند.

یهود در جزیره العرب

درباره علت مهاجرت یهودیان به جزیره العرب نظریه‌های مختلفی وجود دارد، برخی

علت مهاجرت آنان را حمله پادشاه آشور، بخت النصر، به فلسطین و آوارگی یهود (علی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۱۱ تا ۵۱۴) و برخی دیگر حمله تیتوس در سال ۷۰ میلادی و خرابی عهد یهود و آوارگی آنها از فلسطین (حتی، ۱۳۶۶ش، ص ۷۸ / سالم، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹۲) و برخی نیز ورود یهودیان را در طی چندین موج به جزیره العرب می دانند که دقیقاً زمانشان مشخص نیست (خواص، ۱۳۹۳ش، ص ۷۳ / صادقی، بی تا، ص ۱۷).

همچنین، کلتر وایلد می نویسد که حضور جماعت های گوناگون یهودی در عربستان به مدت ها پیش از ظهور اسلام بازمی گردد و به نظر می رسد که یهودیان از قرن اول میلادی در شبه جزیره عربستان حضور داشته اند، حتی در قرن ششم میلادی پادشاهی یهودی حمیر در عربستان جنوبی برپا بوده و برای مدت کوتاهی رونق داشته است، بنابراین احتمالاً تعدادی از قبایل یهودی عرب زبان در مدینه و حومه آن در زمان حیات محمد (صلی الله علیه و آله) وجود داشته اند (مک اولیف، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶).

یهودی ها در کتاب های خود خوانده بودند که مکان هجرت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در میان «عیر» و «اخذ» خواهد بود؛ از این رو، برای یافتن آن مکان، از سرزمین خود بیرون آمده و در جستجوی این دو کوه راه افتادند تا اینکه آنها را یافته در کنارش ساکن شدند. یهود کوچ کرده به حجاز در نواحی خیبر، وادی القری، تیماء، یشرب، به صورت عشایری چون قبایل بنی نضیر، بنی قریظه، بنی قینقاع، بنی بهدل که بعداً قبایل اوس و خزرج هم به آنها ملحق شدند به سر می بردند (بروکلیمان، ۱۳۴۶ش، ص ۱۶).

هنگام هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به یشرب، قبایل زیادی از یهود در این شهر زندگی می کردند که مشهورترین آنان سه قبیله بنی نضیر، بنی قریظه و بنی قینقاع بودند. این سه قبیله در یک محدوده مثلثی شکل در شمالی شرقی قبا زندگی می کردند. بنی قینقاع در داخل مدینه و در حدفاصل حره شرقی و غربی ساکن بودند. بنی نضیر نزدیک ترین گروه به محل قبا بودند و بنی قریظه در بلندی های سنگلاخ شرقی سکونت داشتند در حالی که مرکز مدینه و مسجد النبی در قسمت پایین بود. بخش دیگری از مهاجران یهود در شمال مدینه و در مناطق خیبر، فدک، وادی القری و تیماء سکونت داشتند. برتری خیبر بر همه بخش های یهودی نشین حجاز به امکانات نظامی و قلعه های استوار آن بود (صادقی، بی تا، ص ۱۷ / فیاض، ۱۳۸۳ش، ص ۶۴). آنان به زبان عربی آمیخته با زبان عبری سخن می گفتند (ولفسون، ۱۹۲۷م، ص ۲۰).

از طرفی برخی از محققان بر این باورند که هیچ منبع یهودی از تاریخ یهود در جزیره العرب سخن نگفته است، گویی که در آنجا اصلاً یهودی‌ای نبوده است و تنها در یکی از منابع آمده که یهودیان دمشق و حلب در قرن سوم میلادی منکر وجود یهود در جزیره العرب شده‌اند و گفته‌اند کسانی هم که در اطراف خیبر خود را یهودی می‌دانند حقیقتاً یهودی نیستند، چرا که به دیانت توحیدی و قوانین تلمود به طور کامل وفادار نیستند (همان). برخی محققان معتقدند که یهود جزیره العرب بی ارتباط با یهودیان سایر مناطق بوده‌اند، به این دلیل، گزارش‌های مورخان یهودی اشاره‌ای به یهودیان این منطقه نشده است. از نظر این مورخان، یهودیان این منطقه به لحاظ اعتقادی و پابندی به احکام دین یهود همانند یهودیان سایر مناطق نبوده‌اند؛ لذا کمتر آنان را به عنوان یهودی به شمار آورده‌اند (Lewis، ۱۹۸۴م، ص ۶۸).

جواد علی معتقد است ادعای عدم ارتباط یهودیان جزیره العرب با مناطق دیگر منطقی به نظر نمی‌رسد چون احبار منطقه تبریه با یهودیان منطقه یمن ارتباط داشته‌اند و این احتمال وجود دارد که با یهود یثرب و خیبر و تیماء نیز مرتبط بوده باشند. اما به لحاظ سطح دانش، آنها از یهودیان سایر مناطق همچون بابل، فلسطین، عراق و مصر پایین تر بودند لذا مورد توجه مورخان قرار نگرفته‌اند. همچنین عدم حضور جدی یهودیان این منطقه در میان مشاهیر فرهنگ و علم یهود نشان از پایین بودن سطح علمی آنان دارد؛ باین وجود یهودیان نسبت به همسایگان عرب خود برتری خاصی برای خود قائل بودند و دارای مدارسی بودند که در آنها احبار و ربانیون احکام شرعی و تاریخ یهود و غیره را تعلیم می‌دادند (علی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۲۸-۵۵۹). در مجموع باید گفت آگاهی آنها از دینشان در مقایسه با یهود عراق، مصر و بابل اندک بود این گروه احکام دین یهود را از روحانیون حجاز و احبار طبریه کسب نموده و کور کورانه از آنان پیروی می‌کردند (ولفنسون، ۱۹۲۷م، ص ۲).

درباره سکونت یهودیان در مکه، اکثر مورخان سکوت کرده‌اند. محمد حسنین هیکل در کتاب زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله) می‌نویسد سکونت یهود و نصاری در مکه محدود و ممنوع بود مگر در قالب کارگر و اجیر به شرط آنکه از دین و کتاب‌شان هیچ نگویند (فیاض، ۱۳۸۳ش، ص ۶۳). اما جواد علی معتقد است گروهی از تاجران یهودی در مکه می‌زیستند (علی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۱۳). در جای دیگری می‌گوید ظاهر آن است که

یهود نفوذ و مجال زیادی در مکه نداشت؛ پس اگر نفوذ یا رأی مسموعی از آنها در مکه بود ما نیز از آن اطلاع پیدا می‌کردیم همان‌گونه که از یهودیان یثرب مطلع گشتیم (همان، ص ۵۴۳). سرزمین مکه، پایگاه شرک و مشرکان بود، شاید شماره اهل کتاب در آنجا از تعداد انگشتان یک انسان، تجاوز نمی‌کرد و اگر هم احیاناً دیده می‌شدند رهگذرانی بودند که برای اهدافی به آنجا می‌آمدند، و یا کارگرانی بودند که برای قریش کار می‌کردند، فقط از قریش، دو نفر به نام‌های «ورقه‌بن نوفل» و «عثمان‌بن حویرث» پیش از ظهور اسلام به مسیحیت گرویدند ولی در مقابل، «متهودی»، به معنی عرب یهودی‌گرا در میان آنان وجود نداشت. اکثریت قریش را مشرکان بت‌پرست و افراد کمی از آنان را «احناف» که پیرو آیین ابراهیم (علیه السلام) بودند تشکیل می‌داد (سبحانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۶، ص ۲۳۷).

قبله مسلمانان و شبهات یهودیان در خصوص آن

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه و در سال‌های نخست پس از هجرت به مدینه، به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد؛ ایشان قبل از نازل شدن حکم تغییر قبله، به آسمان می‌نگریست و در انتظار وحی و تغییر قبله به سر می‌برد و محبوب‌ترین قبله در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کعبه بود (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۵ / حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۰). خداوند تعالی خواسته پیامبرش را اجابت فرمود و تغییر قبله در حال نماز ظهر رخ داد، پیک وحی خداوند بازوان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را گرفته و از بیت المقدس به سوی کعبه برگرداند، و مسلمانان نیز صفوف خود را تغییر دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۴۹۱ / قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۱۴۹). بدین جهت، تغییر قبله از جمله حوادثی است که در تاریخ اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. این واقعه در رجب سال دوم هجری و پس از نزول آیه ۱۴۴ سوره بقره رخ داد و در مسجد محله بنی سلمه نزدیک مدینه که بعدها به مسجد ذوقبلتین مشهور شد در بین نماز ظهر رخ داده است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۳۳ / سبحانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۶، ص ۲۲۷ / مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

یهودیان مدینه؛ چه پیش از تغییر قبله و چه بعد از آن، عداوت نموده و شبهاتی را بیان می‌کردند. زیرا عداوت یهود با پیامبر (صلی الله علیه و آله) علل متعددی داشت، که از جمله آنها، انتقال نبوت از خاندان اسحاق به اولاد اسماعیل (علیهما السلام) بود. علاوه بر این، یهودیان

اقتصاد آن شهر را در دست داشتند و با ایجاد اختلاف میان دو قبیله بزرگ ساکن مدینه، اوس و خزرج، بر سیادت خود تحکیم بخشیده بودند و ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه سبب تحکیم وحدت میان دو قبیله، و زمینه‌ساز آیین جدید اسلام بود، بدین جهت گسترش اسلام یهودیان را مضطرب ساخته بود و آنها با جدال به ظاهر علمی و مناقشه‌های بنی اسرائیلی، نسبت به قبله مسلمانان و تغییر آن واکنش نشان می‌دادند (سبحانی، ۱۳۸۰ش، ج ۶، ص ۲۲۲). شباهت آنان را با توجه به آیات مرتبط به یهودیان و توطئه‌های آنان، می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ یعنی شباهت قبل و بعد از تغییر قبله.

شبهه یهود قبل از تغییر قبله مسلمانان و بررسی آن

قبل از تغییر قبله، توطئه‌ها و شباهت یهودیان مدینه، اغلب در جهت تردید در حقانیت اسلام بوده که مهم‌ترین آنها از این قرارند:

نماز گزاردن مسلمانان به سوی قبله یهودیان نشانی از حقانیت یهود

پس از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه و تداوم نماز گزاردن مسلمانان به سوی بیت المقدس، یهودیان ضمن سرزنش مسلمانان بر آنان فخر فروشی می‌کردند که اگر شما امت مستقلی هستید چرا قبله مستقل ندارید و بر قبله ما نماز می‌گزارید؟ و قبول قبله یهود، دلیل بر قبول مذهب یهود است! (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۸۹ / سبحانی، ۱۳۸۰ش، ج ۶، ص ۲۲۹ / زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۹ / طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۴ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۲۰).

۱- دلایل گزینش بیت المقدس به عنوان قبله نخست مسلمانان

برای انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله نخست مسلمانان، دلائلی وجود داشته که به برخی از آنها می‌توان به شرح ذیل اشاره کرد:

۱-۱ بیت المقدس سرزمین مبارک

مسجد الاقصی سرزمین مبارکی است که از طرف خدا برگزیده شده و قرآن در این خصوص می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ؛ پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به

مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم برد.» (اسراء: ۱). جمله «بَارَكْنَا حَوْلَهُ» بیانگر این مطلب است که مسجد الاقصی علاوه بر اینکه خود، سرزمین مقدس است، اطراف آن نیز مبارک و پربرکت است. این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا و خاستگاه نور توحید و خداپرستی بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۱۰ / طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۶۱۱).

۱-۲ بیت المقدس سرزمین مقدس

مسجد الاقصی سرزمینی مقدس بود که قدسیّت آن الهی است و ارتباط به قوم خاصی نداشته است؛ قرآن می فرماید: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ؛ ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید.» (مائده: ۲۱)؛ بنابر نظر بسیاری از مفسران «الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ» همان بیت المقدس و روستاهای اطراف آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۳۳۷).

۱-۳ کعبه محل عبادت بت پرستان به هنگام ظهور اسلام

کعبه به هنگام ظهور اسلام تبدیل به بتخانه شده بود و اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی کعبه نماز می گزاردند و آنجا را قبله برمی گزیدند، این توهم پیش می آمد که ایشان به بت ها احترام می گذارند. بدین جهت، بیت المقدس انتخاب گردید؛ زیرا برای جدا کردن مؤمن و موحد از مشرک و بت پرست پیرو عصر جاهلی، لازم بود که مدتی به بیت المقدس توجه شود تا جایگاه موحدان اندک، از مشرکان فراوان در مکه و حومه آن، تمیز داده شده و باز شناخته شوند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۹ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۴۸۶ / بدوی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۱۳).

۱-۴ آزمایش دشوار، برای مؤمنان در نماز به سوی بیت المقدس

برای کسانی که به کعبه مأنوس بودند و کعبه برای آنها به صورت افتخارات قومی درآمده بود، انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله و نماز گزاردن به سوی آن، آزمایشی بود، تا آنچه از آثار شرک در وجودشان است پاک گردد و معلوم شود که چه کسانی از جمود و عادات رسته اند و از رسالت پیروی می نمایند، و چه کسانی به عقب که همان عادات و تعصب های جاهلیت است برمی گردند؛ و می بایست این افتخارات شکسته شود و مانند اهل

کتاب نگردند که بیت المقدس را به صورت مفاخر قومی و انحصار نژادی در آورده بودند. پس منظور از تشریع احکام، تربیت و تکمیل مردم، جداسازی مؤمنین از غیر مؤمنین و فرمانبران از عاصیان است؛ قرآن در این باره می‌فرماید: «وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ مَا آتَيْنَاهُمْ إِلَّا أَنْ يَحْكُمُوا مِنْهُمْ وَهُمْ لَا يُنْفَكُونَ» (بقره: ۱۴۳). (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۴ / طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۲۷).

۱-۵ نماز بر بیت المقدس، از نشانه‌های نبوت

علاوه بر این، قرآن یادآور می‌شود که اهل کتاب به خوبی می‌دانستند قبله مسلمانان و تغییر جهت آن، حق و بر اساس وحی الهی است، زیرا همه خصوصیات مسئله نماز خواندن به دو قبله، یا خطوط کلی آن، در کتاب آسمانی آنها آمده است؛ و این مسئله، نمودار تحقق نشانه‌های نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تورات است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۳۹۴).

۲- اعتباری بودن قبله

قبله برای هر قومی یک حکم الهی است و هر ملتی می‌تواند قبله جداگانه داشته باشد چرا که خداوند می‌فرماید: «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا» هر کسی را جانبی است که بدان روی می‌آورد. (بقره: ۱۴۸). کلمه «وجهه» به معنای چیزی است که آدمی رو به آن می‌نماید؛ مانند قبله، که انسان متوجه آن می‌شود. در طول تاریخ انبیاء نیز قبله‌های مختلفی بوده است، و هر قومی قبله‌ای داشته که بر اساس مصالحی برای آنان تشریع شده است؛ اما اصولاً قبله همانند اصول دین نیست که تغییرناپذیر باشد، و یا همچون امور تکوینی که تخلف در آن میسر نشود، بلکه قبله یک امر اعتباری [از سوی خداوند] و قابل تغییر و تحول است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۰۱ / طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۲۷). کسانی که تحویل قبله را، وسیله ایجاد شک‌ها و تشویش افکار مسلمانان ساخته‌اند، سبک‌سرانند و از حقیقت توحید و اصل دعوت ابراهیم (علیه السلام) روی گردانده‌اند؛ «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره: ۱۳۰) و «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا» (بقره: ۱۴۲).

انحراف و جمود، اندیشه آنها را محدود نموده و خدا را محدود به مکان و قبله قومی خود می‌پنداشتند (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲).

شبهات یهود پس از تغییر قبله مسلمانان و بررسی آنها

پس از تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سمت کعبه، یهودیان شبهات دیگری را بیان کردند که حکایت از عدوات و دشمنی آنها دارد و بر منطقی استوار نیست، و در اینجا به بیان و بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

۱- تغییر قبله، خلاف حکمت الهی

برگشتن قبله از بیت المقدس به کعبه، از مهم‌ترین احکام تشریعی الهی در اسلام بود و برای یهودیان قابل تصور نبود، بدین جهت در برابر چنین حادثه مهمی، توطئه نمودند؛ زیرا اسلام یکی از بزرگ‌ترین مفاخر دینی آنان را که همان قبله ایشان بود، تغییر داد و کعبه را جایگزین آن ساخت؛ بنابراین، شروع به مخالفت با مسلمانان کردند و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خرده گرفتند که چرا از قبله نخستین خود یعنی بیت المقدس روی برمی گرداند؟ و همچنین می‌گفتند تغییر قبله به سوی کعبه که شرافت آن را ندارد چه وجهی دارد؟ سپس می‌گفتند اگر این کار به امر خداست، که خود او بیت المقدس را قبله کرده بود، چگونه خودش حکم خود را نقض می‌کند و آن را نسخ می‌نماید؟ و اگر به امر خدا نیست، پس خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) از صراط مستقیم منحرف گشته است. روشن است که این شبهات مبنای استواری نداشتند و صرفاً ناشی از بغض آنها نسبت به پیامبر اکرم و مسلمانان بوده‌اند. در پاسخ به این شبهات می‌توان به نکاتی اشاره کرد:

۱-۱ جواز نسخ در اسلام

یهودیان بنا بر عقیده باطل خود، نسخ را محال می‌دانستند، و بدین جهت معتقد بودند که تغییر قبله نیز از جانب خدا محال است و بر این باور بودند که هرگاه خداوند کاری را انجام داد، پس از آن اختیاری نسبت به آن فعل ندارد و می‌گفتند: «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» ست خدا بسته است. (مائده: ۶۴) در حالی که چنین عقیده‌ای نزد مفسران فریقین نادرست بوده و این چنین سخنی، مستلزم آن است که خدا مالک مطلق نباشد و جواز تصرف او منحصر در بعضی امور

باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۵۱/ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۱۲/ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۹/ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۷۹).

ضمن آنکه بنابر عقیده تمام عقلا و دانشمندان اسلامی، نسخ، امری مشروع در احکام می‌باشد و به این معناست که حکمی از احکام الهی که در مرحله تشریع و قانون‌گذاری برای دوره‌ای تعیین شده بود، برداشته شود و تغییر پیدا کند و حکم دیگری جایگزین آن شود؛ زیرا نسخ در شرایع و احکام الهی امکان دارد و نسخ در احکام همان تقیید و تخصیص در جهت زمان است و نه چیز دیگر؛ و همان‌طور که تقیید و تخصیص از ابعاد دیگر ممکن است، از بعد زمان نیز امکان‌پذیر می‌باشد. از طرفی نسخ در موارد متعدد در تورات و انجیل مشاهده شده و جای تعجب است که یهودیان، نسخ در احکام را محال می‌دانند و از این طریق به استمرار و همیشگی بودن شریعت و احکامشان اصرار می‌کنند (خوئی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴۵ و ۳۵۱ تا ۳۵۵).

۱-۲ الهی بودن همه جهات

همه مکان‌ها و زمان‌ها و جهات می‌توانند الهی و آسمانی باشند و خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ؛ مشرق و مغرب هر دو ملک خداست.» (بقره: ۱۱۵). هریک از آنها را در هر زمانی که بخواهد طبق مصلحت و حکمت، شرافت و عظمت می‌بخشد. مشرق و مغربی که در آیه شریفه آمده، در برابر شمال و جنوب، یا بالا و پایین نیست، بلکه همه جهات و سمت‌ها را در بر می‌گیرد و آن جمله بدین معناست که همه جهات از آن خداست، و انسان به هر سو رو کند رو به خداست: «فَإَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)؛ پس نظر کسانی را که گمان می‌کردند بیت المقدس از کعبه با شرافت‌تر است و بهتر آن است که همیشه «قبله» باشد، چون وطن پیامبران بوده است و خداوند آن را شرافت بخشیده است، باطل و مردود ساخت (جوادی آملی، ۱۳۸۴ش، ج ۷، ص ۲۹۷).

در برابر بهانه‌جویان یهود، لازم بود تا خداوند با دلیل قاطع بیان دارد که بیت المقدس و کعبه و همه‌جا، ملک خداست و مهم آن بود که بندگان الهی تسلیم فرمان او باشند و هر جا که خدا دستور دهد به آن سو نماز بخوانند و آن را مقدس بدانند و بدین جهت هیچ مکانی بدون عنایت او دارای شرافت ذاتی نمی‌باشد و تغییر قبله در حقیقت، مراحل مختلف آزمایش و تکامل است.

۱-۳ دلایل گزینش کعبه

بدون تردید برای انتخاب کعبه به عنوان قبله جدید حکمت و دلایلی وجود دارد که سبب تغییر قبله به سوی کعبه گردید. در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱-۳-۱ کعبه، نخستین پرستشگاه

کعبه نخستین عبادتگاه انسان‌ها بوده است؛ خداوند می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.» (آل عمران: ۹۶). این آیه شریفه بیان می دارد که کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت قرار داده شده بود؛ که قطعاً بر اساس حکمت بوده است.

۱-۳-۲ کعبه، خانه‌ای مبارک

در آیه یادشده (آل عمران: ۹۶) کلمه «مُبَارَكًا» برای کعبه و مکه، نشانی از خیر و برکت است. برکت به معنای خیر بسیار، و مبارک به معنای محلی است که خیر کثیر بدان جا افزوده می شود. این کلمه در برکات دنیوی و اخروی استعمال می شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۰). در دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز که می فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» سامان یافتن اوضاع زندگی ساکنان مکه از درگاه خداوند مسئلت شده است.

۱-۳-۳ کعبه، هدایت بخش بندگان

همچنین، در آیه مورد بحث (آل عمران: ۹۶)، کعبه پایگاه هدایت برای عالمیان معرفی شده است چراکه می فرماید «هُدًى لِلْعَالَمِينَ» یعنی کعبه راهنمای بندگان به سوی خداست و در عبادت آن، هدایت و تعالی به سوی خدای تعالی وجود دارد.

۱-۳-۴ کعبه، مرکز آیات روشن الهی

کعبه در قرآن، پایگاه آیات الهی است و خداوند می فرماید: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ...» [کعبه]، مرکز آیه‌ها و نشانه‌های روشن الهی است.» (آل عمران: ۹۷)؛ که طبق نظر مفسران، مقصود از

این آیات می‌تواند تمام مشاعر و اماکن مرتبط با این بنای مقدس باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۱۵ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۷۹۸).

۱-۳-۵- کعبه، خانه امن

در آیه مذکور پیشین (آل عمران: ۹۷) کعبه، محلی امن برای بندگان خداوند محسوب شده است، چرا که می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ کعبه مایه امنیت هر کسی است که به آن وارد شود.»؛ که البته ظاهراً قبل از اسلام نیز حکم امنیت این خانه تشریع شده بوده است و به نظر می‌رسد آیات «ابراهیم: ۳۵، بقره: ۱۲۶، عنکبوت: ۶۷، قصص: ۵۷، تین: ۳ و بقره: ۱۲۵» به همین امر اشاره دارند.

۱-۳-۶- کعبه، سبب سامان یافتن زندگی

کعبه علاوه بر خانه خدا و مرکز امن و هدایت، محل رشد و تعالی زندگی دنیوی و اخروی نیز می‌تواند باشد چون قرآن می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ؛ خداوند، کعبه را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.» (مائده: ۹۷)؛ و «قوام و قیام» چیزی است که انسان یا هر چیز دیگری به وسیله آن برپا می‌شود. خداوند کعبه را مایه قوام شما قرار داده چون دنیا و آخرت آنان قوامش به کعبه بود (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۴۲).

۱-۳-۷- کعبه، محور حج و مناسک آن

حج از ارکان اسلام است و فوائد فراوان تربیتی و اقتصادی و اخلاقی و سیاسی و غیره دارد و همه احکام حج در وجود کعبه معنا می‌یابد و آیات بسیاری مؤید این مطلب است همچون آیات «بقره: ۱۵۸، آل عمران: ۹۷ و حج: ۲۷ و ۲۶».

۲- تردید یهودیان در اصل رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

دومین شبهه یهود پس از تغییر قبله، تردید در اصل رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و تغییر قبله بود، درحالی که اهل کتاب بر اساس بشارت کتاب‌های آسمانی خود، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اوصاف آن حضرت را مانند آنکه ایشان دارای دو قبله است، به خوبی می‌شناختند؛ آیه ۱۵۷ سوره اعراف مؤید این امر است. خداوند

متعال در آیات ۱۴۴ تا ۱۴۶ سوره بقره و برخی آیات دیگر، به عملکرد یهودیان پاسخ می‌دهد که مروی به این موضوع خواهیم داشت:

۲-۱ آگاهی یهودیان از حق بودن تغییر قبله

خداوند در خصوص حق بودن تغییر قبله بیان می‌کند: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم؛ اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید؛ و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، به‌خوبی می‌دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده (و در کتاب‌های خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست. (بقره: ۱۴۴).

این آیه شریفه بیان می‌کند که اهل کتاب با توجه به اطلاعات موجود در کتاب‌های خود می‌دانستند که تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه نه تنها خرده‌ای بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست، بلکه از جمله نشانه‌های حقانیت اوست، اما عناد و خودبرتربینی آنها، باعث کتمان و انکار حقایق و مانع پذیرش حق توسط یهودیان شد. البته تنها عده اندکی با بهره‌بردن از آن نشانه‌های آشکار، به رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایمان آوردند. در خصوص ضمیر در «أَنَّهُ» در فقره «أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» که به چه کسی برمی‌گردد، و اینکه اهل کتاب به چه چیز علم داشتند، اقوالی نزد مفسران بدین شرح وجود دارد:

۱- ابن‌کثیر از مفسران اهل سنت، معتقد است ضمیر به تغییر قبله برمی‌گردد و اهل کتاب، به حقانیت تغییر قبله، بنا بر دلالت ضمنی علم داشتند، یعنی آنها به حقانیت و به‌درستی نبوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) علم و یقین داشتند و به تبع آن به حقانیت آموزه‌های رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز علم داشتند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۲).

۲- بسیاری از مفسران فریقین نیز معتقدند بنابر دلالت مطابقی، تغییر قبله و دو قبله داشتن

از صفات پیامبر موعود بوده و اهل کتاب به حقانیت تغییر قبله توسط پیامبر موعود، علم داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۹۶ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۲۰ / قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۳۴ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۰۶).

۳- برخی از مفسران معتقدند مقصود هردو وجه یادشده یعنی حقانیت و تغییر قبله می‌باشد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴ / قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۱۶۱ / طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۳۲۵).

۲-۲ پیروی برخی از یهودیان از هوی و هوس

تردید یهودیان در اصل رسالت و به تبع آن قبله مسلمانان ناشی از پیروی آنها از هوی و هوس آنها بوده است و خداوند بر پیروی برخی از یهودیان از تمایلات نفسانی خود اشاره دارد و می‌فرماید: «وَلَيْسَ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنْ الظَّالِمِينَ»؛ سوگند که اگر برای این گروه از اهل کتاب، هر گونه آیه (و نشانه) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد و تو نیز، هیچگاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان‌پذیر است) و حتی هیچ‌یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد، و اگر تو پس از این آگاهی، از هوس‌های آنها متابعت کنی مسلماً از ستمگران خواهی بود (بقره: ۱۴۵).

در آیه یادشده دو دلیل برای مخالفت یهودیان با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیان شده که به شرح زیر هستند:

نخست بر لجاجت و عناد و خودبرتربینی یهودیان در برابر حق تأکید شده است، زیرا یهودیان به دعوت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) علم یقینی داشتند. پس خداوند به پیامبرش می‌فرماید که آنها به هیچ‌قیمت تسلیم حق نخواهند شد چرا که روح حقیقت‌جویی در آنها مرده است؛ و مجادله بر قبله از روی هوی و هوس و خودخواهی یهودیان است (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۲۳۹ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۹۶ / طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۳۲۶).

دوم اینکه اهل کتاب قبله یکدیگر را قبول ندارند؛ نه یهود از قبله نصاری پیروی می‌کند و نه نصاری از قبله یهود؛ سپس اضافه می‌کند که تو نیز هرگز تابع قبله آنها نخواهی

شد (وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ) و تصور آنها مبنی بر بازگشت به قبله اول اشتباه است و کعبه، قبله همیشگی و نهایی مسلمین است (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۳۲۶).

دانشمندان، از هر گروهی که باشند اگر بر سر یک مسئله غیردینی با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کنند، پس از بررسی و تبادل نظر درباره موضوع مورد اختلاف، معمولاً به وحدت عقیده می‌رسند. اما اگر علمایی که هر کدام پیرو دین خاصی هستند درباره یک مسئله دینی اختلاف پیدا کنند، محال است که با یکدیگر به وحدت نظر برسند. از دیدگاه روانشناسی ثابت شده است که تغییر دادن طبیعت و اخلاق مردم، به مراتب، از تغییر دادن دین آنان آسان‌تر است. دلیل این امر، آن است که مردم، دین خود را از پدران و اجدادشان فرا می‌گیرند و نسبت به آن تعصب می‌ورزند و حتی هیچ دینی نیست که به تقلید از پدران و نیاکان فراخواند، جز دین اسلام، که در تثبیت اصول خود تنها به عقل تکیه می‌کند. اگر کسی آیات قرآنی و احادیث نبوی را مورد بررسی قرار دهد، خواهد دید که این دو منبع اسلامی، به همان اندازه که به ایمان به خدا اهمیت می‌دهند، به پیروی از عقل نیز اهمیت می‌دهند، چراکه ایمان به خدا هیچ‌گاه از هدایت عقل سلیم جداشدنی نمی‌باشد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۲).

۲-۳ چگونگی شناخت یهود از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

تردید یهودیان در خصوص رسالت پیامبر بیهوده بوده و یهودیان رسول خدا را می‌شناختند همچون شناختی که پدر از پسر دارد چراکه قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خو می‌شناسند [ولی] جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند. (بقره: ۱۴۶). این آیه نشانگر آن است که صفات و ویژگی‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتب پیشین به اندازه‌ای روشن بوده که ترسیم کاملی از او در اذهان اهل کتاب وجود داشته است، به گونه‌ای که در شناختشان اشتباه راه نداشت (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲ / عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۸ / ابن عاشور، بی تا، ج ۲، ص ۴۰ / مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۳)؛ زیرا قرآن این شناخت را، به شناخت پدر از پسر تشبیه می‌کند که روشن‌ترین شناخت هاست، زیرا از ابتدای تولد و حتی قبل از آن شکل می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۲۲۶).

بدین جهت، برخی از ساده‌لوحان یهود به‌هنگام ملاقات با افراد باایمان به بازگویی نشانه‌های نبوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تورات پرداخته، و حقانیت او را تصدیق می‌کردند؛ افشای این نوع نشانه‌ها، سبب آگاهی بیشتر مسلمانان می‌شد و بدین جهت از سوی سران یهود ممنوع اعلام گشت و با دستورالعملی سری، همگان مأمور شدند که در این مورد سخن نگویند؛ خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغُضُوبِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند ایمان آورده‌ایم، ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده، می‌گویند چرا مطالبی را که خداوند (درباره صفات پیامبر) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟ آیا نمی‌فهمید؟» (بقره: ۷۶). خدای متعال در توبیخ این گروه یادآور می‌شود خلوت و جلوت، برای آنان مفهوم دارد، ولی خداوند از همه کارهای آنان آگاه است: «أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ» آیا نمی‌دانند که هرچه را که پنهان می‌دارند و هرچه را که آشکار می‌سازند، خدا می‌داند؟» (بقره: ۷۷) (سبحانی، ۱۳۸۰ش، ج ۶، ص ۲۸۴-۲۸۵).

۲-۴ انتخاب کعبه، اتمام حجت بر یهود

مفسران فریقین در باب اتمام حجت بر یهود بیان می‌کنند که اگر این تغییر قبله صورت نمی‌گرفت و این امر محقق نمی‌شد، یهودیان ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند در کتب آسمانی ما یکی از نشانه‌های پیامبر موعود این است که به‌سوی دو قبله نماز می‌خواند و این نشانه در محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست، و پیامبر شما فاقد اوصاف ذکر شده در کتاب‌های آسمانی پیشین است. با آمدن حکم تغییر قبله موقت به قبله دائمی، حجت بر آنان تمام گشت (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۳۲۸ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۹۳ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۲۸ / زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶ / مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۷). همچنین برخی از مفسران با عنایت به آیات مورد بحث و نیز آیه «وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۴۴) که به آیه «لَيَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» تا هیچ کس را، جز ستمکاران، با شما مجادله‌ای نباشد.» (بقره: ۱۵۰)، ختم می‌شوند، بر این باورند که کلمه «لِلنَّاسِ» این نکته را می‌رساند که اتمام حجت

فقط متعلق به یهود نیست بلکه شامل مشرکان نیز می شود چون ایشان اگرچه به آئین یهود ایمان نداشتند ولی می دانستند که در کتب یهودیان صحبت از پیامبر اسلام به میان آمده و یکی از نشانه های او، همین تغییر قبله است، در نتیجه با این اتفاق و نزول این آیات، دیگر جایی برای اشکال تراشی آنان نیز باقی نماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۴۹۳ / زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۰۶). بنابراین، حجت بر همگان تمام شد و مجادله عملاً به پایان رسید مگر از سوی آن دسته افرادی که اهل ظلم، عناد و لجاجت بودند، که البته هیچ حجتی برای این گونه افراد، کارساز نیست.

۴- ایمان آوردن یهودیان در صبحگاهان و انکار قبله مسلمانان در شامگاهان

گروهی از علمای یهود در جهت تردید و تزلزل بیشتر در ایمان مسلمانان، مکر تازه ای مطرح نمودند و با یکدیگر تباری کردند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را در نماز گزاردن به سوی بیت المقدس در اول روز (نماز صبح) تصدیق کنند، ولی در آخر روز، به نماز خواندن به سمت کعبه کفر بورزند (نیل ساز، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۳۷)، و در پاسخ به این گونه عملکرد خود بگویند صفات و روش محمد (صلی الله علیه و آله) با آنچه در کتب ما وجود دارد، تطبیق ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۷ / طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۲۲۲ / بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۳).

لذا می بینیم که قرآن کریم می فرماید: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند (بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید) شاید آنها (از آیین خود) باز گردند! (آل عمران: ۷۲) زیرا تازه مسلمانان که غالباً تا پیش از آن، از مشرکان و کفار و یا از مردمان اهل کتاب ساکن در مکه و مدینه و اطراف آنها محسوب می شدند، عالمان اهل کتاب را آگاه به بشارت های آسمانی پیشین می دانستند و این توطئه کافی بود که آنها را متزلزل سازد؛ اما خداوند متعال با نزول این آیه، نقشه آنان را آشکار، و مسلمانان را از آن آگاه ساخت.

۴- اختصاص قبله، ویژه یهود

یهودیان بر اختصاص داشتن قبله برای آنها اعتقاد داشتند و قبله مستقل برای دیگران را

امری موهوم می‌دانستند و پس از تغییر قبله، بر این باور بودند که اگر موضوع تغییر قبله را تصدیق کنند، سبب می‌شود که مسلمانان نیز دارای قبله‌ای مانند آنها شوند و سیادت و آقایی یهود از بین برود و آنها دیگر نمی‌توانند مفتخر به این باشند که تنها ملت دارای قبله هستند. علاوه بر آن، با عدم تصدیق قبله مسلمانان، نزد خدا حجتی خواهند داشت مبنی بر اینکه ما از حقانیت آن بی‌خبر بودیم و بدین جهت بود که به نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان نیاوردیم (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸).

خداوند می‌فرماید: «وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و [به پیروان خود می‌گفتند:] «جز به کسی که از آیین شما پیروی می‌کند، [واقعاً] ایمان نیاورید.»؛ بگو: «هدایت، هدایت الهی است [و این توطئه شما، در برابر آن بی‌اثر است.]»؛ [سپس گفتند: «تصور نکنید] به کسی همانند شما [کتاب آسمانی] داده می‌شود، یا اینکه می‌توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند، [بلکه نبوت و منطق، هر دو نزد شماست!]]؛ بگو: «فضل [و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست، بلکه] به‌دست خداست و به هر کس بخواهد [و شایسته بداند،] می‌دهد؛ و خداوند، واسع (دارای مواهب گسترده) و آگاه [از موارد شایسته آن] است.» (آل عمران: ۷۳).

این آیه از این موضوع صحبت می‌کند که عالمان و بزرگان یهود که نگران ایمان آوردن جاسوس‌های خود بودند به آنها می‌گفتند به کسانی که از دین شما پیروی نمی‌کنند اعتماد نکنید و به دین ایشان ایمان نیاورید و ایمان شما باید تنها جنبه صوری داشته باشد، و هرگز باور نکنید به کسی همانند شما، قبله و کتاب آسمانی داده شود (رازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۳۸۳ / بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۲۹۸).

خداوند تعالی به مکر یهود چنین پاسخ می‌دهد که هدایتی که مؤمنان به آن نیازمندند، همان هدایت خدای متعال است؛ اگر می‌خواهید از هدایت خدا پیروی کنید بشارت تحویل قبله را فاش سازید (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸)؛ و آنها که مشمول هدایت الهی شده‌اند توسط این توطئه‌ها متزلزل نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۶۱۶). پاسخ دیگر خداوند این است که بگو فضل به‌دست خداست، به هر که خواهد آن را عطا

می‌کند؛ یعنی کتاب آسمانی و قبله مستقل، فضل است و فضل به دست خداست و او می‌تواند فضل خود را به هر کس که بخواهد، عطا نماید (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸).

۵- ابطال نمازهای پیشین مسلمانان

از دیگر شبهات یهودیان پس از تغییر قبله آن بود که یهودیان به مسلمانان اعتراض می‌کردند که اگر نماز گزاردن به سوی بیت المقدس حق است، آن گونه که تاکنون عمل می‌شد، پس تغییر آن به سوی کعبه باطل است و اگر به سوی کعبه نماز خواندن حق است، پس بطلان نمازهای خوانده شده، ثابت می‌شود (معرفت، ۱۳۸۶ ش، ص ۶۸)؛ خداوند در پاسخ می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ» (بقره: ۱۴۳)؛ بسیاری از مفسران ایمان را به نماز تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۴۸۵ / طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۴ / رازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۰۷ / جوادی آملی، ۱۳۸۴ ش، ج ۷، ص ۳۱۵). علاوه بر آن، قوانین و مقررات، در زمان خود معتبرند و شامل زمان‌های قبل نمی‌شوند، پس نمازهای قبلی صحیح هستند و هنگامی که قبله تغییر پیدا کرد، لازم بود به سوی قبله جدید نماز خوانده شود؛ علاوه بر اینکه تمام تغییرات و تحولات تکوینی و تشریعی، ناشی از رحمت و رأفت خداوندی است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۵ / قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۲۲).

چند نکته لازم

نخست اینکه مفسران فریقین معتقدند که اساساً شبهه اقتباس قبله مسلمانان از یهود، به دلیل مشترک بودن قبله نخست مسلمانان و یهودیان، یعنی بیت المقدس، شبهه‌ای مردود است؛ زیرا همه ادیان الهی و کتاب‌های آسمانی دارای مشترکات فراوانی هستند و این نشان از منشأ واحد و خاستگاه الهی آنها دارد، نه این که دلیل بر اقتباس آنها از یکدیگر باشد (معرفت، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۱). خدای تعالی نیز پیامبران الهی را برخوردار از دین واحد معرفی می‌کند (شورا: ۱۳) با این مبنا که اصول مشترک دین همه پیامبران یکی است و خداوند از آنان میثاق گرفته که مبشر و مصدق یکدیگر باشند و با اعلام ایمان به رسول پس از خود و زمینه‌سازی رسالتش، او را یاری کنند (آل عمران: ۸۱)؛ بنابراین علت اشتراک مضامین قرآن با کتب آسمانی پیشین، این است که از دیدگاه قرآن پیام اصلی همه ادیان یک چیز بیش نیست و آن ایمان به خدا و تسلیم شدن در برابر فرامین هدایت بخش اوست. آیات بسیاری بر این مضمون دلالت دارند؛ مانند «آل عمران: ۱۹، احقاف: ۹، نحل: ۳۶ و انبیاء: ۲۵».

دوم اینکه با پذیرفتن این خدعه که «مشابه بودن محتوای دعوت یک پیامبر با پیامبر قبلی دلیل اقتباس است»، باید اولین پیامبر را پیامبر واقعی و دیگران از جمله حضرت موسی و عیسی (علیهما السلام) را نیز، پیامبر واقعی و یا لااقل پیامبر صاحب شریعت ندانیم؛ اما اگر این دو پیام‌آور بزرگ را علی‌رغم مشابهت دعوت و پیام آنان به انبیاء پیشین (علیهم السلام)، فرستادگان آسمانی و پیامبران الهی می‌دانیم، (که حق نیز همین است)، چگونه ممکن است که همین مشابهت و همین یگانگی در پیام و دعوت، نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شاهد و دلیلی برای شبهه موهوم اقتباس باشد و سبب انکار نبوت آن حضرت (صلی الله علیه و آله) گردد؟

سوم اینکه آیات قرآن کریم مانند (بقره: ۱۴۴) بیان می‌کنند که یهودیان یکی از نشانه‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) را، که دو قبله بودن ایشان است، می‌دانستند؛ این آگاهی را نیز از کتاب مقدس خویش، سخنان منقول از پیامبر خود و اولیاء پیشین دیشان به دست آورده بودند و می‌دانستند که سخنی حق و الهی است؛ پس چگونه آنها مدعی اقتباس قبله از یهود توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شده‌اند؟

و چهارم آنکه اساساً انتقاد قرآن از یهودیان و تعالیم تحریف‌شده آنان، نشانه عدم اخذ قرآن از آنهاست.

نتیجه

یهودیان همواره با مسلمانان عدوات داشته و قبل و بعد از تغییر قبله، جهت ایجاد تردید در ایمان آنان، شبهاتی در خصوص قبله بیان نموده‌اند؛ ولی با مطالعه در آیات قرآن معلوم می‌گردد که انتخاب بیت المقدس به عنوان اولین قبله، هرگز به معنای اقتباس قبله برای مسلمانان از یهود نبوده است؛ زیرا شواهد قرآنی بسیاری بر عدم اقتباس قبله از یهود وجود دارد و بیان گردید که انتخاب بیت المقدس توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امری الهی و گزینشی آسمانی بوده است. قرآن کریم، شبهات یهودیان را نادرست و غیر منطقی دانسته و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از توطئه و عداوت آنان آگاه می‌سازد و به پاسخ‌گویی نسبت به شبهات آنان مبادرت می‌ورزد. علاوه بر آن، قرآن کریم در بسیاری از آیات به نقد عملکرد یهود می‌پردازد و بیان می‌نماید که یهودیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حقانیت دین

اسلام و نشانهٔ پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی دو قبله داشتن ایشان مطلع بودند. ضمن آنکه، در میان یهودیان مسئلهٔ بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سرزمین و جایگاه او در کتب و معارف آنها کاملاً روشن بوده است. خلاصه آنکه شبهات بی پایهٔ یهودیان پیرامون قبله، جز برای ایجاد تزلزل در ایمان مسلمین و جز به منظور یافتن مفری برای ایمان نیاوردن به رسول الله (صلی الله علیه و آله) در راستای حفظ سیادت خویش نبوده است؛ که البته در هیچ یک موفق نشدند.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. کتاب مقدس (با استفاده از نرم‌افزار مؤده)
۲. ابن فارس، أحمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ چاپ اول، قم: بی‌نا، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر والتنویر؛ بیروت: موسسه التاریخ، بی‌تا.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۵. بدوی، عبدالرحمن و جادالله، کمال؛ دفاع عن القرآن ضد منتقدیه؛ بی‌جا: الدار العالمیه للکتب، ۱۴۲۶ق.
۶. بروکلمان، کارل؛ تاریخ ملل و دول اسلامی؛ ترجمه جزایری، هادی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ش.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۹. طالقانی، سید محمود؛ تفسیر پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۱۰. تیلش، پال؛ «معنا و توجیه نمادهای دینی»؛ فصلنامه معرفت، ش ۱۹ (سال پنجم)، ۱۳۷۵ش.
۱۱. علی، جواد؛ المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام؛ بغداد: جامعه بغداد، ۱۴۱۳ق.
۱۲. جوادی آملی، عبد الله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۴ش.
۱۳. حتّی، فیلیپ؛ تاریخ عرب؛ به ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۶ش.
۱۴. حسینی بهشتی، سید محمد؛ سرود یکتاپرستی؛ تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۹۰ش.
۱۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۶. خواص، امیر؛ «یهود در جزیره العرب پیش از اسلام: تحلیلی بر تأثیر و تأثرات یهودیت و عرب جاهلی»، نشریه معرفت ادیان، شماره ۴ (سال پنجم، شماره پیاپی ۲۰)، پاییز ۱۳۹۳ش.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم؛ بیان در علوم و مسائل کلی قرآن؛ به ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم‌زاده هریسی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸ش.
۱۸. رازی، حسین بن علی ابوالفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ به کوشش یاحقی و ناصح؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج؛ بیروت-دمشق: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۲۱. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۲. سالم، عبدالعزیز؛ تاریخ عرب قبل از اسلام؛ به ترجمه باقر صدری‌نیا؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش.

۲۳. سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید؛ قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. صادقی، مصطفی؛ پیامبر و یهود حجاز؛ قم: بوستان کتاب، بی تا.
۲۵. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۰. طبیب، سید عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. فخررازی، محمدبن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فیاض، محمد سعید؛ «بررسی شبهات غیرمسلمانان درباره منابع و مصادر قرآن کریم»؛ پابین نامه دکتری، محمدکاظم شاکر، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۳۵. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۳۶. قطب، شاذلی؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. ماسون، دنیز؛ قرآن و کتاب مقدس؛ درون مایه های مشترک؛ به ترجمه فاطمه السادات تهامی؛ تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. مک اولیف، جین دمن؛ دایرة المعارف قرآن (لیدن)؛ با ویرایش ترجمه فارسی حسین خندقی آبادی و دیگران؛ تهران: حکمت، ۱۳۹۲ ش. (مدخل تکرر دینی و قرآن؛ نویسندگان: کلتر وایلد و مک اولیف)
۴۰. معرفت، محمدهادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. معرفت، محمدهادی؛ شبهات و ردود حول القرآن؛ قم: موسسه التمهید، ۱۴۲۳ ق.
۴۲. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ ق.
۴۳. نیل ساز، نصرت و دیگران؛ «بررسی ویژگی های اخلاقی یهود عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و نقش آنان در شبهه تغییر قبله از منظر قرآن»؛ پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۷، ۱۳۹۵ ش.
۴۴. ولفنسون، اسرائیل؛ تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام؛ مصر: نشر اعتماد، ۱۹۲۷ م.
۴۵. هینلز، جان راسل؛ راهنمای ادیان زنده جهان؛ به ترجمه عبدالرحیم گواهی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.

46. Lewis, Bernard; The Jews of Islam; Princeton, 1984.

Bibliography

The Quran:

The Holy Quran: Original Arabic version

Other Literature:

- `Ali, Jawaad, *al- Mufasssal fi Taarikh al- `Arab Qabl al- Islaam*, Baghdad: Dar Jaame'ah Baghdad, 1413 A. H.
- Al- `Arousi al- Huwayzi, `Abd `Ali b. Jum`ah, *Tafsir Nour al- Thaqaalayn*, Qom: Entesharat e Esma`iliyan, 1415 A. H.
- Al- Bayzaavi, `Abd Allah b. `Umar, *Anwaar al- Tanzil va Asraar al- Ta'wil*, Beirut: Dar Ihyyaa al- Turath al- `Arabi, 1418 A. H.
- Badawi, `Abd al- Rahmaan, and Kamaal Jaad Allah, *Difaa` `an al-Quran zidd Muntaqidihi*, N.p.: Al-Dar al- `Ilmiyyah li al- Kutub, 1426 A. H.
- Al- Balaaghi al- Najafi, Muhammad Jawaad, *Aalaa' al- Rahmaan fi Tafsir al- Quran*, Qum: Enteshaaraat e Bonyaad e Be`that, 1420 A. H.
- Brockelmann, Karl, *Taarikh e Melal va Doval e Islami*, trans. by Haadi Jazaayeri, Tehran: Bongaah Tarjomeh va Nashr Ketaab, 1346 Sh.
- Fakhr Razi, Muhammad b. `Umar, *Mafaatih al- Ghayb*, Beirut: Dar Ihyyaa al- Torath al- `Arabi, 1420 A. H.
- Fayyaz, Muhammad Sa'id, "Barrasi ye Shobahaat e Gheyr e Mosalmaanaan dar dar baareh ye Manaabe` va Masaader e Qur'an e Karim," PhD dissertation, University of Qom, 1383 Sh.
- Hinnles, John Russell, *Raahnemaa ye Adyaan e Zendehe ye Jahaan*, trans. by `Abd al- Rahim Govaahi, Qom: Enteshaaraat e Boustaan e Ketaab, 1385 Sh.
- Hitti, Philip, *A History of the Arabs*, Persian trans., *Taarikh e Arab*, by Abol Qasem Paayandeh, Tehran: Nashr e Aagaah, 1366 Sh.
- Hoseyni Beheshti, Sayyid Muhammad, *Soroud e Yektaa Parasti*, Tehran: Bonyaad Nashr Aathaar wa Andishehhaa-ye Shahid Ayatollah Dr. Beheshti, 1390 Sh.
- Hoseyni Zabidi, Muhammad Murtaza, *Taqj al- `Arous min Jawaaher al- Qaamus*, Beirut: Dar al- Fikr, 1414 A. H.
- Ibn `Aashur, Muhammad b. Taaher, *al- Tahrir wa al- Tanwir*, Beirut: Dar Moassessah al- Tarikh, n. d.
- Ibn Faares, Ahmad, *Mu`jam Maqaayyis al- Lughah*, Qum: N. p., 1404 A. H.
- Ibn Kathir, Ismaa`il b. `Umar, *Tafsir al- Quran al- `Azim*, Beirut: Dar al- Kutub al- `Ilmiyyah, 1419 A. H.
- Javaadi Aamoli, `Abd Allah, *Tafsir Tasnim*, Qum: Markaz e Enteshaaraat e Esraa, 1384 Sh.
- Khavaas, Amir, "Yahood dar Jazirat al-`Arab Pish az Islam: Tahlili bar Ta'thir wa Ta'thuraat Yahudiyyat va `Arab Jaaheli," *Nashriyyeh ye Ma`refat Adyaan*, Vol. 5, No. 4, Serial No. 20, Autumn 1393 Sh.
- Khoei, Sayyid Abul Qasem, *Bayaan dar `Olum va Massa'el e Kolli ye Quran*, trans. Muhammad Sadeq Najmi va Haashemzaadeh Herisi, Tehran: Sazmaan Chaap va Enteshaaraat, 1388 Sh.
- Lewis, Bernard, *The Jews of Islam*, Princeton, NJ: Princeton University Press, 1984.
- Ma`refat, Muhammad Haadi, *Shubahaat wa Rudoud Hawl al- Qur'an*, Qom: Nashr Mu'assessah al-Tamhid, 1423 AH.
- Ma`refat, Muhammad Haadi, *Taarikh e Qur'an*, Tehran: Samt, 1386 Sh.
- Makaarem Shiraazi, Naaser, *Tafsir Nemouneh*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islaamiyyah, 1374 Sh.

- Mason, Dennis, *Qur'an va Ketaab e Moqaddas: Daroun Maayeh haa ye Moshtarak*, trans. by Fatemeh al- Sadat Tahaami, Tehran: Dafter Pazhouhesh va Nashr Sohravardi, 1386 Sh.
- McAulif, Jane D., *Encyclopedia of the Qur'an/ Daayerat al- Ma'aaref Qur'an*, trans. and ed. by Hosayn Khandaq Aabaadi, et al., Tehran: Nashr e Hekmat, 1392 Sh.
- Mughniyah, Muhammad Jawaad, *Tafsir al- Kaashef*, Tehran: Dar al- Kotob al- Islaamiyyah, 1424 A. H.
- Nilsaaz, Nosrat, et al., "Barrasi ye Vizheguihaa ye Akhlaaqi ye Yahoud e `Asr e Payaambar va Naqsh e Aanaan dar Shubhe ye Taghyyir e Qiblah az Manzar e Qur'an," *Pazhouhesh Naameh ye Ma'aaref e Qurani*, no. 7, 1395 Sh.
- Qraa'ati, Mohsen, *Tafsir e Nour*, Tehran, Markaz Farhangui Darshaayi az Quran, 1383 Sh.
- Qurtubi, Muhammad b. Ahmad, *al- Jaami` li Ahkaam al- Quran*, Tehran: Enteshaaraat e Naaser Khosrow, 1364 Sh.
- Qutb, Shazli, *Fi Zilaal al- Qur'an*, Beirut: Dar al- Shorouq, 1412 A. H.
- Ragheb Isfahani, Hoseyn b. Muhammad, *Mufradaat Alfaaz al- Quran*, Beirut: Dar al- Qalam, 1412 A. H.
- Razi, Hoseyn b. `Ali Abou al-Fotouh, *Rawz al- Jinan va Rouh al- Jinan fi Tafsir al- Quran*, ed. by Yahaqqi and Naseh, Mashhad: Enteshaaraat e Aastaan Qods e Razavi, 1375 Sh.
- Saadeqi, Mostafa, *Payaambar va Yahoud e Hejaaz*, Qom: Boustaan Ketaab, n.d.
- Saalem, `Abd al-`Aziz, *Taariikh `Arab Qabl az Islam*, trans. by Baaqer Sadriniyaa, Tehran: Sherkat Entesharat `Elmi va Farhangui, 1380 Sh.
- Sobhaani, Ja'far, *Manshour e Jaavid*, Qom: Mo'asseseh Imam Saadiq, 1380 Sh.
- Taaleqaani, Sayyid Mahmoud, *Tafsir e Partowi az Quran*, Tehran: Sherkat Sahaami Enteshaar, 1362 Sh.
- Tabarasi, Fazl b. `Ali, *Majma` al-Bayaan fi Tafsir al- Quran*, Tehran: Enteshaaraat e Naaser Khosrow, 1372 Sh.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad b. Jarir, *Jaami` al- Bayaan fi Tafsir al- Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH.
- Tabataba'ie, Sayyid Muhammad Husayn, *al- Mizaan fi Tafsir al- Quran*, Qom: Daftar Enteshaaraat Esalaami, 1374 Sh.
- Taleqaani, Sayyid Mahmoud, *Partovi az Quran*, Tehran: Sherkat Sahaami Enteshaar, 1362 Sh.
- Tayyib, Sayyid `Abd al-Husayn, *Atyab al- Bayaan fi Tafsir al- Quran*, Tehran: Entesharat Islam, 1378 Sh.
- Tillich, Paul, "Ma'naa va Towjih e Nemaadhaa ye Dini," *Fasl Naameh-ye Ma'refat*, Vol. 5, No. 19, 1375 Sh.
- Al-Tousi, Muhammad b. Hasan, *al- Tibyaan fi Tafsir al- Quran*, Beirut: Dar Ihiyaa al- Turaath al-`Arabi, n. d.
- Wolfenson, Israel, *Taariikh al- Yahoud fi Bilaad al- `Arab fi al- Jaaheliyyah wa Sadr al- Islam*, Cairo: Dar al- I'timaad, 1927.
- Zamakhshari, Mahmoud, *al- Kashaaf `an Haqaa'iq Ghawaamiz al- Tanzil*, Beirut: Dar al-Kitab al- `Arabi, 1407 A. H.
- Zuayli, Wahabah b. Mustafaa, *al- Tafsir al- Munir fi al- `Aqidah wa al- Shari'ah wa al- Manhaj*, Beirut/ Damascus: Dar al- Fikr al- Mu'aaser, 1418 A. H.